

پژوهش حقوق کیفری، سال دوم، شماره سوم، بهار و تابستان ۱۳۹۲، ص ۱۴۱-۱۱۹

سیاست تقنینی کیفری ایران در صیانت از منابع آب با عنایت به اسناد بین المللی

ابوالفتح خالقی* - حجت الله رشوادی**

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۴/۲۷، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۱۰/۱۳)

چکیده

حیات انسان و ماندگاری او در کره زمین، به بهره‌برداری از منابع مختلف از جمله آب وابسته است. استفاده نادرست از منابع محیط زیست، آلاینده‌گی و تخریب آنها را در پی خواهد داشت. آب به عنوان یکی از حوزه‌های بسیار حساس محیط زیست که حیات بشر به آن وابسته است، در معرض انواع آلاینده‌های زیست محیطی قرار دارد. حراست و صیانت از سلامت منابع آب ضرورت مداخله و استفاده از راهکارهای حقوقی و کیفری در به سامان کردن استفاده از آنها را ایجاد کرده است. سیاست کیفری داخلی در حوزه تقنین با الهام از احکام شرعی همزمان با ملاحظات بومی و ملی برای پاسداشت منابع آب، به صورت مستقیم و غیرمستقیم از الزامات ناشی از الحاق به اسناد بین‌المللی تأثیر گرفته و مقرراتی در صیانت از منابع آبی بزرگ و کوچک مصوب کرده است.

کلید واژگان: آب، محیط‌زیست، آلاینده، کنوانسیون، سیاست تقنینی

* عضو هیأت علمی دانشکده حقوق دانشگاه قم (نویسنده مسؤول)

Email: ab-khaleghi@qom.ac.ir

** دانش آموخته کارشناسی ارشد حقوق و جزا و جرم‌شناسی

مقدمه

حدود هفتاد و یک درصد از سطح کره‌ی زمین را آب در بر گرفته است. آب‌ها افزون‌بر سرشار بودن از مواد غذایی، از منابع عظیم نفت و گاز نیز برخوردارند (موسی‌زاده، ۱۳۸۲، ص ۳۳۳). به همین دلیل این منبع حیاتی به صورت فزاینده مورد بهره‌برداری بشر قرار دارد. استفاده فراوان سبب شده تا این منابع به عنوان بخش بزرگی از محیط زیست در معرض متنوع‌ترین و جدی‌ترین آسیب‌های زیست محیطی قرار گیرند. با صنعتی شدن جوامع تحولات عمیقی در حوزه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی رخ داده است. با گسترش صنایع نیاز فراوانی نیز به بهره‌برداری از منابع طبیعی اولیه که در حوزه‌های تأمین انرژی و مواد خام کاربرد دارند، احساس می‌شود به تناسب افزایش تقاضا، هر ساله بر میزان مداخله بشر در محیط طبیعی از جمله منابع آب افزوده شده و در نتیجه احتمال نفوذ اقسام آلاینده‌ها به محیط‌زیست‌های طبیعی نظیر منابع آب افزایش می‌یابد. منابع آبی کم‌وسعت از قبیل چشمه‌ها و نهرها و رودهای کوچک به عنوان منابع تأمین‌کننده‌ی آب شرب، به واسطه‌ی سرازیر شدن فاضلاب‌های صنعتی و کشاورزی و وارد شدن پسماندهای جامد ناشی از آنها، با مخاطرات فراوانی روبه‌رو شده‌اند. منابع آبی وسیع و بزرگ از قبیل دریاها و اقیانوس‌ها نیز که از اعصار گذشته به لحاظ راه مواصلاتی و ذخایر غذایی اهمیت داشتند، امروزه با پیشرفت فناوری و در نتیجه کشف ذخایر معدنی و انرژی در معرض آسیب‌های ناشی از شیوه‌ی بهره‌برداری قرار گرفته‌اند.

منابعی که به عنوان عامل و منشاء آلودگی آب‌ها شناسایی شده‌اند به دو دسته‌ی خشکی محور و کشتی محور تقسیم شده‌اند. در میان اقسام آلاینده‌ها، نفت و مواد نفتی سهم بسیار بزرگی در ایجاد آلودگی آب‌ها دارند. نفت خام از ترکیب هیدروکربن‌های اشباع، آرماتیک، رزین و آسفالتین‌ها تشکیل شده است (leahy, 1990, p.305) که برای موجودات آبرزی و محیط زیست دریایی و انسان‌ها بسیار خطرناک بوده و باعث آسیب‌های جدی، مثل سرطان می‌شود (Arms Tron, 2004, p. 970). مناطقی که در آنها مخازن نفتی موجود باشند بسیار محدود و مشخص بوده، و به طور معمول از بازارهای مصرف که اغلب کشورهای صنعتی هستند، دور می‌باشند، از این‌رو هر ساله در مقادیر قابل توجهی از

این مواد، در مسیر محل به بازارهای مصرف، که مقدار آن بالغ بر ۳۲۰ میلیون تن برآورد کرده‌اند (ETKIn, 1998, p.910)، وارد چرخه‌ی زیستی آب‌ها می‌شود.

کشور ما نیز به دلیل واقع شدن در حوضه‌ی نفتی خلیج فارس، که قسمت اعظم منابع نفتی دنیا در آن موجود است (Canby, 1991, p32) با آسیب‌های زیانبار ناشی از وارد شدن این مواد به چرخه‌های زیستی مواجه است. در این نوشتار تلاش شده است تا با بررسی اسناد و مدارک داخلی و بین‌المللی که کشورمان به آنها ملحق شده، به بررسی تدابیر و سیاست‌های اتخاذی در قبال اقسام آلاینده‌ها، آب‌ها پرداخته و این دو پرسش مورد کنکاش قرار بگیرد:

- ۱- سیاست جنائی تقنین در سطح ملی، در قبال اقسام آلودگی‌های آب واجد چه سازوکارهایی است؟
- ۲- درباره‌ی آلودگی آب‌ها در اسناد فراملی که جمهوری اسلامی ایران به آنها ملحق شده، چه تدابیری اتخاذ شده است؟

مفاهیم

آلودگی

در حفاظت از محیط‌زیست آبی، یکی از ابتدایی‌ترین موضوعاتی که باید حدود و ثغور آن مشخص شود مفهوم و محتوای آلودگی می‌باشد. مقنن ایرانی در بند الف ماده ۱ قانون حفاظت از دریاها و رودخانه‌های قابل کشتیرانی در مقابل آلودگی به مواد نفتی مصوب ۱۳۸۹/۶/۳۱، آلودگی یا آلوده کردن را تخلیه یا نشت نفت یا مواد نفتی یا آب توازن کشتی‌ها یا نفتکش‌ها در آب‌های موضوع قانون یادشده بیان کرده است. اشکال تعاریف یادشده این است که به جای تعریفی ماهوی که جامع اقسام آلودگی‌ها باشد، به بیان برخی از مصادیق آلودگی اکتفا شده است.

در میان قوانین متقدم نیز می‌توان به ماده ۱ قانون حفاظت از دریاها و رودخانه‌ی مرزی از آلودگی به مواد نفتی مصوب ۱۳۵۴/۱۱/۱۴ اشاره کرد که در آن نیز آلوده کردن را با بیان برخی از مصادیق از قبیل تخلیه یا نشت نفت یا هرگونه مخلوط نفتی در آبهای مشمول این قانون تعریف کرده است.

این رویه در میان اسناد منطقه‌ای که دولت جمهوری اسلامی ایران به آنها ملحق شده بعضاً جاری می‌باشد. برای مثال در کنوانسیون حفاظت از محیط زیست دریای خزر (کنوانسیون تهران مصوب ۱۳۸۲ و اجراء ۱۳۸۵) که میان کشورهای ساحلی دریای خزر منعقد شده است، در ذیل عنوان بخش اول (مفاد کلی) در ماده ۱، هرگونه انتقال یا دفع عمومی مواد زاینده یا هرگونه رهاسازی عمدی لاشه شناورها و مصادیقی از این قبیل، ضابطه‌ی تعریف تخلیه مواد زاید و آلوده کردن آب‌های موضوع کنوانسیون شده است. (www.crudeaccountability.org 30/11/2011) از نظر محتوایی در میان اسناد منطقه‌ای، در کنوانسیون کویت^۱ تعریف دقیق‌تر از آلودگی ارائه شده است. به موجب ماده ۱: «مقصود از آلودگی دریایی، داخل کردن مواد یا انرژی در محیط زیست دریایی به وسیله‌ی انسان به طور مستقیم یا غیرمستقیم می‌باشد که اثرات زیان‌بخش مانند آسیب به منابع زنده و خطر برای سلامت انسان و ایجاد مانع در فعالیت‌های دریایی از جمله ماهیگیری و لطمه به کیفیت، از نظر استفاده از آب دریا و کاهش وسایل رفاهی به بار آورد و یا احتمال ایجاد اینگونه خطرات را داشته باشد» (www.greanyearbook.org, 30/11/2011).

تعریف یادشده از این نظر که راه‌های ایجاد آلودگی، اعم از مستقیم یا غیرمستقیم را شامل شده و نیز از نظر عدم توجه به عمدی بودن یا غیرعمدی بودن ایجاد آلودگی در تحقق مسئولیت، مناسب‌تر است و نسبت به سایر تعاریفی که بیان شد، جامع‌تر به نظر می‌رسد در تعریف یادشده از ماده‌ی ۴ کنوانسیون حقوق دریاها که در ۱۰ دسامبر سال ۱۹۸۲ تصویب و در ۱۶ نوامبر ۱۹۹۴ لازم‌الاجرا شد، اقتباس‌هایی انجام شده است. به موجب ماده ۱ (۴) کنوانسیون یاد شده آلودگی «... معرفی مواد یا انرژی به محیط زیست به طور مستقیم یا غیرمستقیم توسط انسان، از قبیل مصب‌های رودخانه‌ای که منجر به تأثیرات زیانباری می‌شود و یا احتمالاً خواهد شد و برای موجودات زنده مضر و حیات دریایی و سلامت انسانی را به خطر انداخته و مزاحم فعالیت‌های دریایی از جمله ماهیگیری و دیگر کاربردهای مشروع از دریا می‌شود و تضعیف‌کننده‌ی کیفیت استفاده‌ی دریا و کاهش مطلوبیت آن شود». (<http://www.nu.org> 6/12/2011).

1. Kuwait regional convention for cooperation on the protection of the marine environment from pollution

سیاست جنایی

فونر باخ مبتکر واژه‌ی سیاست جنایی، سیاست جنایی را «حکمت تقنین دولت و مجموعه روش‌های سرکوب کننده‌ای که دولت به وسیله‌ی آنها علیه جرم واکنش نشان می‌دهد» (دلمارس مارتی، ۱۳۸۱، ص ۲۳) می‌داند. از این منظر، سیاست جنایی در تعبیری محدود از نظر ابراز مسئولیت بر اصطلاح «سیاست کیفری» منطبق است. بعد از ارائه‌ی این تعریف هر کدام از مکاتب، به فراخور مبانی اندیشه و رویکردهای عملی به ارائه تعاریفی متنوع و متفاوت از این اصطلاح پرداخته‌اند. در میان متأخران تعریف میری دلمارس مارتی از لحاظ جامعیت و مانع بودن، مناسب‌تر به نظر می‌رسد. از نظر ایشان «سیاست جنایی شامل مجموعه روش‌هایی می‌شود که هیأت اجتماع با توسل به آنها پاسخ‌های پدیدهای مجرمانه (جرم و انحراف) را سازمان می‌بخشد» (حسینی، ۱۳۸۴، ص ۲۷). از نظر عملی سیاست جنایی به دسته‌بندی‌هایی از قبیل سیاست جنایی تقنینی، قضایی و مشارکتی تقسیم شده است (لاززر، ۱۳۸۲، ص ۹۳).

تدابیر حقوقی حمایت از آب‌ها

حقوق داخلی

ایران از نظر اقلیمی در منطقه‌ای گرم و خشک واقع شده و با دوره‌های متعدد خشکسالی و کم‌آبی رو به‌رو بوده است. این موضوع زمینه‌ای شده تا در کشورمان درباره‌ی بسامان کردن آب‌ها تدابیری اتخاذ گردد. با توجه به نیاز فراوان مردم به آب و عدم دسترسی کافی به آب‌های سطحی، قنوت نیز برای دسترسی به آب احداث شده‌اند. از نظر تاریخی فرایند کم‌آبی سبب شده تا مقنن به ضرورت حمایت جدی از منابع آب پردازد. قانون مدنی مصوب ۱۳۰۷ موادی را به احکام ناظر بر انهار و قنات‌ها و چشمه‌ها و حریم آنها اختصاص داده و در تنظیم این مواد اصول مالکیت و بهره‌برداری انفرادی یا مشارکتی با مالکیت شخصی پذیرفته شده است. به‌ویژه به قاعده‌ی لاضرر نیز در تدوین مواد توجه خاص شده است (www.Moe.or2/12/2011). متعاقب قانون مدنی، قانون راجع به قنوت در سال ۱۳۰۹ تصویب شد. در این قانون نیز بر همان محورهای قانون مدنی (اصول مالکیت شخصی و لاضرر) تأکید شده و در ماده‌ی یک مقرر شد: «اگر کسی مالک چاه، قنات یا مجرای آبی در ملک غیر و یا اراضی مباحه باشد، تصرف چاه یا صاحب

مجری و چاه مجری فقط من حیث مالکیت قنات و مجری و برای عملیات مربوط به قنات و مجری خواهد بود و صاحب ملک می‌تواند در اطراف چاه مجری یا اراضی واقع بین دوچاه تا حریم چاه و مجری هر تصرفی بخواهند، نمایند مشروط بر اینکه تصرفات او موجب ضرر صاحب قنات یا مجری نشود. در اراضی مباحه واقع در اطراف چاه مجری و یا بین دو چاه اشخاصی دیگر هم می‌توانند با رعایت حریم که به موجب قانون مدنی معین است و سایر مقررات مربوط به اراضی مباحه تصرفاتی بنمایند که موجب ضرر صاحب قنات یا صاحب مجری نباشد.

با توجه به گسترش روزافزون اهمیت آب‌ها طی یک فرایند تدریجی ضرورت افزایش مداخله دولت‌ها در امور زیر بنایی همچون آب‌ها احساس می‌شد. این امر با توجه به قانون اجازه تأسیس بنگاه آبیاری مصوب ۱۳۲۲، روند سریع‌تری گرفت. به موجب ماده یک قانون یادشده «برای توسعه و اصلاح» امور آبیاری کشور بنگاه مستقلى تحت نظارت وزارت کشاورزی به نام بنگاه مستقل آبیاری تأسیس می‌شود. (3/12/2011www.mailis) فرایند حضور پررنگ دولت در مقوله‌ی مدیریت آب‌ها، با تصویب قانون راجع به تأسیس وزارت آب و برق مصوب ۱۳۴۲ تسریع شد. در این قانون به صراحت به مقوله‌ی حمایت و حفاظت از محیط زیست آبی اشاره شده و در بند ج ماده ۱ مقرر شد، یکی از اهداف تأسیس وزارتخانه، نظارت بر نحوه‌ی استفاده از منابع آبی کشور می‌باشد، که به گونه‌ای غیرصریح و ضمنی می‌توان مقوله‌هایی مرتبط با ابعاد مختلف محیط‌زیست از جمله مدیریت منابع آب را استنباط کرد. در سال ۱۳۴۵ قانون حفظ و حراست منابع آبی زیرزمینی کشور تصویب شد. در ماده‌ی ۱ آن مقرر شد حفظ و حراست منابع و ذخایر آب‌های زیرزمینی و نظارت در کلیه امور مربوط به وزارت نیرو محول شد.

با تصویب قانون آب و نحوه‌ی ملی شدن آن در سال ۱۳۴۷، آب‌ها تحت مالکیت عمومی و ملی درآمدند و به صراحت مقنن در مقام حفاظت و حمایت از منابع آبی، اقدام به پیش‌بینی سازوکارهای قانونی حفاظت از آب‌ها کرد. به موجب ماده ۱ کلیه‌ی آب‌های جاری در رودخانه‌ها، انهار طبیعی، دره‌ها، جویبارها و هر مسیر طبیعی دیگر، اعم از سطحی، زیرزمینی، همچنین سیلاب‌ها، فاضلاب‌ها، زه‌آبها، دریاچه‌ها، مرداب‌ها، برکه‌های طبیعی، چشمه‌سارها، آب‌های معدنی و منابع آب‌های زیرزمینی ثروت ملی محسوب و به

عموم تعلق دارد و مسئولیت حفظ و بهره‌برداری این ثروت ملی و احداث و اداره تأسیسات توسعه‌ی منابع آب به وزارت آب و برق محول می‌شود.

در فصل هفتم، ذیل عنوان جلوگیری از آلودگی منابع آب، در ماده ۵۵ مقرر شده بود که آلوده کردن آب ممنوع است و موسساتی که آب را به مصارف شهری یا صنعتی یا معدنی می‌رسانند موظف‌اند طرح تصفیه آب و دفع فاضلاب را با تصویب وزارت آب و برق و وزارت بهداشتی تهیه و اجرا کنند. در ادامه مقنن در راستای ارائه‌ی شاخصه‌ای برای تشخیص اقدامات آلوده‌کننده، در ماده ۵۶، اقدام به تعریف (آلوده کردن آب) به‌عنوان «آمیختن مواد خارجی به آب به‌میزانی که کیفیت فیزیکی یا شیمیایی یا بیولوژیکی آن را به‌طوری که مضر به حال انسان و چهارپایان و آبزیان و گیاهان باشد، تغییر دهد» کرده و در ادامه مواد خارجی را شامل موادنفیتی، ذغالی، اسید و هرگونه اصناف کربنی و فاضلاب شهرها دانسته است.

از جمله قوانین دیگری که در زمینه‌ی حمایت از آب‌ها تصویب شد، قانون حفاظت دریا و رودخانه‌های مرزی از آلودگی با مواد نفتی مصوب ۱۳۵۴ می‌باشد. این قانون افزون‌بر حمایت کیفی از آب‌های موضوع قانون یادشده در مواد ۱۰، ۱۳ و ۱۴، ابعاد تکالیف و مسئولیت‌های حقوقی آلوده‌کنندگان را بیان کرد.

به موجب ماده ۱، کلیه‌ی کشتی‌های مشمول این قانون ملزم خواهند بود که در حین ورود به دریای ساحلی ایران در مقابل خسارات احتمالی ناشی از آلوده کردن دریا بیمه شده باشند. کشتی‌هایی که بیمه نشده باشند باید حامل تعهدنامه‌ای مالی، برای جبران خسارت باشند. هدف مقنن از اتخاذ این راهکارها، تضمین پرداخت خسارت‌های احتمالی ناشی از آلودگی‌های حاصله با مواد نفتی در حوضه‌های مدنظر مقنن بوده است. در ماده ۱۳ مقرر شد در صورتی که تخلف از مقررات این قانون موجب توجه هرگونه خسارتی به بندرها و دریا بارها (پلاژها) و یا سایر تأسیسات ساحلی ایران بشود و یا خسارتی به آبزیان و منابع طبیعی وارد آید، دادگاه مسئولان را به پرداخت خسارت وارده نیز محکوم خواهد کرد و در ماده‌ی ۱۴ مقرر شده بود که مسئولان آلودگی مکلف‌اند کلیه هزینه‌هایی را که از طرف مقامات صلاحیت‌دار و یا به دستور آنان و توسط عاملین دیگر به‌منظور محدود کردن آثار آلودگی و رفع آن به‌عمل می‌آید، بپردازد.

سیر حمایت از منابع آب و حفاظت از آنها پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز ادامه یافت. به موجب اصل چهل و پنجم قانون اساسی، دریاها، دریاچه‌ها، رودخانه‌ها و سایر آب‌های عمومی جزو انفال و ثروت‌های عمومی محسوب شده و در اختیار حکومت اسلامی می‌باشند تا برطبق مصالح عامه نسبت به آنها عمل کند. در اصل پنجاهم نیز مقرر شده که، در جمهوری اسلامی ایران حفاظت محیط‌زیست که نسل امروز و نسل‌های بعد باید در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند وظیفه عمومی تلقی می‌شود از این رو فعالیت‌های اقتصادی و غیراقتصادی که با آلودگی محیط‌زیست یا تخریب غیرقابل جبران آن ملازمه پیدا کند، ممنوع می‌باشد. با توجه به اصول و چارچوب‌های تعیین شده در قانون اساسی، قوانین عادی به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است که همسو با اهداف مطروحه می‌باشد. از جمله این مصوبات، قانون توزیع عادلانه‌ی آب است که در سال ۱۳۶۱ به تصویب رسید. این قانون از جمله مترقی‌ترین قوانین درباره‌ی بسامان کردن استفاده از آب می‌باشد. در ماده ۶ ذیل عنوان فصل دوم «آب‌های زیرزمینی» مقرر شده است تا صاحبان و استفاده‌کنندگان از چاه و یاقنات مسئول جلوگیری از آلودگی آب‌ها هستند و موظفند طبق مقررات بهداشتی عمل کنند، چنانچه جلوگیری از آلودگی آب خارج از قدرت آنان باشد مکلف‌اند مراتب را به سازمان حفاظت محیط‌زیست یا بهداری اطلاع دهند.

ماده‌ی ۴۶ مقرر می‌دارد: «آلوده کردن آب ممنوع می‌باشد، مسئولیت پیشگیری و ممانعت و جلوگیری از آلودگی منابع آب به سازمان حفاظت محیط‌زیست محول می‌شود». واگذاری امور یادشده به سازمان حفاظت محیط‌زیست به معنای نقض ماده ۱ قانون آب و نحوه‌ی ملی شدن مصوب ۱۳۴۷ می‌باشد چرا که ذیل ماده‌ی مرقوم مقرر شده بود که مسئولیت حفظ و بهره‌برداری آب‌ها برعهده‌ی وزارت آب و برق است.

در راستای جلوگیری از آلودگی آب‌های موضوع قانون توزیع عادلانه آب، هیأت وزیران بنا به پیشنهاد سازمان حفاظت محیط‌زیست و براساس ماده ۴۶ قانون توزیع عادلانه آب، آیین‌نامه‌ای با ۲۲ ماده در سال ۱۳۷۳ به تصویب رساند. از جمله نکاتی که در آیین‌نامه تصویب شده اما انطباقی با اصول کلی حاکم بر شیوه‌ی برخورد مناسب با آلودگی‌ها به‌ویژه آلودگی در حوزه‌ی آب‌ها ندارد، بند ۱۳ ماده ۱ می‌باشد که مقرر داشته است: مسئول به شخص حقیقی اطلاق می‌شود که اداره یا تصدی منابع مواد آلودگی از

قبیل کارخانجات، کارگاه‌ها و سایر تأسیسات صنعتی را خواه برای خود، خواه به نمایندگی از طرف شخص یا اشخاص حقیقی و حقوقی دیگر برعهده داشته یا شخصاً و به طرق مختلف آلودگی ایجاد کنند. به‌طور معمول در اینگونه موارد اصل بر پیش‌بینی مسئولیت اشخاص حقیقی و حقوقی و حتی مسئولیت تضامنی اشخاص می‌باشد، تا به این وسیله هیچکدام از عاملان آلودگی چه به صورت مباشرت و چه به تسبیب؛ به گونه‌ای از مسئولیت رفتار خود رهایی نیابند. مضافاً اینکه تضمین‌های بیشتری برای پرداخت و جبران خسارت به اشخاص خاصی اعم از حقوقی و حقیقی فراهم آمد.

به موجب ماده ۲۲ آیین‌نامه مزبور، چنانچه تخلفاتی از مقررات رخ دهد و باعث وارد آمدن خسارت به آبریان و منابع طبیعی گردد، دادگاه حسب درخواست سازمان حفاظت محیط‌زیست، مسئولین را به پرداخت و جبران خسارت وارد شده محکوم خواهد کرد. (www.moe.org6/12/2011)

از جهت راه کارهای راهبردی و کلان قانونی کشور در حوزه‌های زیست‌محیطی، نیز شاهد اتخاذ راه کارهایی در حفاظت از محیط‌زیست طبیعی کشور بوده‌ایم. در تبصره ۱۳ ماده واحده قانون برنامه پنج‌ساله اول جمهوری اسلامی ایران مقرر شده است که کارخانه‌ها و کارگاه‌ها موظفند یک در هزار از فروش تولیدات خود را با تشخیص و تحت نظر سازمان حفاظت محیط‌زیست صرف کنترل آلودگی‌ها و جبران زیان ناشی از آلودگی‌ها و ایجاد فضای سبز کنند.

در قسمت یکم، الف (۳-۶) سالم‌سازی محیط زیست به‌عنوان یکی از تکالیف دولت تعیین شده است. در قانون برنامه‌ی پنج‌ساله‌ی دوم در قسمت الف (۲) (۳) مقرر شده است در طول اجرای برنامه، کلیه‌ی فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی بایستی با رعایت ملاحظات زیست محیطی انجام شود، و در تبصره ۸۳ مقرر شده است که به‌منظور جلوگیری و رفع آلودگی منابع آب توسط فاضلاب‌های صنعتی و کارخانجات واقع در شهرها و شهرک‌های صنعتی، نسبت به ایجاد و بهره‌برداری از شبکه‌های جمع‌آوری براساس استانداردهای سازمان محیط‌زیست و با مشارکت و یا نظارت شرکت‌های آب و فاضلاب استان‌ها اقدام شود.

در قانون برنامه‌ی پنج‌ساله‌ی سوم نیز در ماده ۱۰۴ به‌منظور کاهش عوامل آلوده‌کننده‌ی محیط‌زیست، به ویژه در منابع طبیعی و منابع آب کشور واحدهای تولیدی موظف شده‌اند

که هزینه‌های انجام شده در مورد تطبیق مشخصات فنی خود با ضوابط محیط‌زیست و کاهش آلودگی‌ها را به‌عنوان هزینه‌های قابل قبول واحدها منظور کنند. در قانون برنامه چهارم نیز در بند الف ماده ۶۸ مقرر شده که دولت موظف است طرح حفاظت، احیا، بازسازی ذخایر و رفع آلودگی و شیوه‌های بهره‌برداری پایدار از محیط‌های دریایی کشور، تا پایان سال اول برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران را تهیه و به مرحله اجرا گذارد. در برنامه‌ی پنجم توسعه نیز در بند ب ماده ۱۸۹، سازمان حفاظت محیط‌زیست مکلف شده است نظام اطلاعات زیست‌محیطی را تا پایان سال اول برنامه پنجم ایجاد کرده و طبق بندهای جیم و دال، ماده ۱۹۳ موظف شده است مصوباتی در حمایت از تالاب‌های داخلی وضع کند و هرگونه بهره‌برداری صنعتی و معدنی از آب‌ها را از سال دوم برنامه مطلقاً ممنوع اعلام کرده است (www.mpor.ir.2/12/2011).

در سند چشم‌انداز ۲۰ ساله بهره‌مندی از محیط‌زیست مطلوب نیز یکی از اولویت‌های مورد انتظار جامعه ایرانی بر شمرده شده است (www.maslehat.ir.7/12/2011). در سال ۱۳۸۹ آخرین سیاست تقنینی قانونگذار در قانون حفاظت از دریاها و رودخانه‌های قابل کشتیرانی مقابل آلودگی به مواد نفتی در بیست و پنج ماده و ده تبصره نمود یافته است. در ماده ۱۷ این قانون مقرر شده: مالکان، بهره‌برداران و مسئولان ایجاد آلودگی موضوع این قانون برای جبران کلیه خسارات ناشی از آلودگی و کلیه هزینه‌های محدود کردن آثار آلودگی و رفع آن و پایش زیست‌محیطی از جمله هزینه‌ی تجهیزات بکار گرفته شده و کارمزد خدمات ارائه شده توسط عوامل انسانی مسئولیت تضامنی دارند. اتخاذ این رویکرد در راستای تضمین پرداخت خسارت‌های وارده به محیط‌زیست و تأسیسات مرتبط می‌باشد. براساس این تدبیر نوین زیست‌محیطی، مسئولیت مشترک و چندگانه برای کل هزینه‌های پاک‌سازی برعهده‌ی افراد خاطی قرار می‌گیرد (کولاسوریا و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۱۷۶).

مقوله‌ی مسئولیت یکی از مهم‌ترین و چالش‌برانگیزترین حوزه‌های حقوق محیط‌زیست است. در این حوزه شاهد گذار از دکترین‌های قدیمی مسئولیت مدنی به نظام‌های مدرن مسئولیت هستیم. نظریه‌های قدیمی بیشتر براساس نظریه‌ی تقصیر استوار بودند و برگرداندن وضعیت به ماقبل و جبران خسارت زیان‌دیده هدف اصلی این رویکرد می‌باشد (کاتوزیان و همکاران، ۱۳۸۷، ص ۲۹۱). ایرادات و انتقادات وارد بر این نظریه از نظر عدم حفاظت کامل از محیط‌زیست؛ منجر به ارائه‌ی نظریاتی جدید شد. نظریه‌ی مسئولیت مدنی مبتنی بر

خطر، از جمله‌ی این نظریه‌هاست. براساس این نظریه نیازی به اثبات تقصیر فرد آلوده‌کننده برای تحقق مسئولیت نیست بلکه همین که شخص اقدام به فعلی کند که به آلودگی محیط‌زیست و تخریب آن منجر شود، باید از عهده‌ی خسارت وارده برآید، اعم از اینکه مقصر باشد یا نباشد (فهیمی و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۳۱۶). انعکاس این اصل در حوزه‌ی مسئولیت‌های زیست‌محیطی، موجب شکل‌گیری اصل «آلوده‌کننده، پرداخت‌کننده است» شد که به موجب آن فرد خاطی باید تمام جوانب و عواقب اعمال خود را بپذیرد و خسارات‌های حاصله را بپردازد.

اسناد فراملی

از نظر زمانی، آغاز دوره‌ی حمایت از محیط‌زیست در نظام بین‌المللی به نیم قرن قبل باز می‌گردد. موضوع محیط‌زیست سالم و مناسب به حدی اهمیت پیدا کرده که از ابتدا به‌عنوان یکی از مصادیق حقوق بشر شناخته شده و در اعلامیه استکهلم مورد اشاره قرار گرفته است (رمضانی قوام‌آبادی، ۱۳۸۷، ص ۸۲) از آن زمان تاکنون جامعه‌ی جهانی تلاش کرده تا بحران‌های زیست‌محیطی را مهار کند. انعقاد سیصد معاهده‌ی چندجانبه و حدود هزار معاهده‌ی دوجانبه (مولائی، ۱۳۸۶، ص ۲۷۴) و هفتاد سند بین‌المللی، گواه این مدعا می‌باشد. بخش قابل توجهی از اسناد به موضوع حمایت از آب‌ها اختصاص یافته است.

اسناد فرامنطقه‌ای

کنوانسیون حقوق دریاها

بروز برخی مشکلات میان کشورها در خصوص حقوق مربوط به بهره‌برداری از مناطق دریایی، سازمان ملل را بر آن داشت که کمیسیون حقوق بین‌الملل را مأمور تدوین اصولی درباره‌ی استفاده‌ی دولت‌ها از دریاها کند. اقدام‌های این کمیسیون منجر به تحولاتی در این عرصه شد. در نهایت در ۱۰ دسامبر ۱۹۸۲، کنوانسیون حقوق دریاها در ماده ۳۲۰ و در هفده بخش تصویب و در سال ۱۹۹۴ لازم‌الاجرا شد. دولت جمهوری اسلامی ایران این کنوانسیون را امضا کرده اما آن را تصویب نکرده است (فرشچی و همکاران، ۱۳۸۶، ص ۸۲). جدیدترین دستاورد این کنوانسیون بخش دوازدهم می‌باشد که مربوط به تعهد دولت‌ها به حفاظت از محیط‌زیست دریایی است. برخی از مقررات اساسی کنوانسیون حقوق دریاها شامل ماده ۱۹۲ (تعهد دولت‌ها به حمایت و حفاظت از محیط‌زیست)؛ ماده

۱۹۳ (حقوق دولت‌ها در بهره‌برداری از منابع طبیعی)؛ ماده ۱۹۴ (الزام دولت‌ها به اتخاذ تدابیر لازم برای پیشگیری و حفاظت از محیط‌زیست) و ماده ۱۹۵ (عدم تبدیل آلودگی از نوعی به نوع دیگر) می‌باشد. در مجموع فصل دوازدهم چارچوب گسترده‌ای از تدابیر جامع درباره‌ی کنترل آلودگی دریایی مطرح می‌کند (www.unep.org9/12/2011).

کنوانسیون جلوگیری از آلودگی کشتی‌ها (MAPOL^۱)

آلودگی‌های ناشی از کشتی‌ها می‌تواند یکی از طرق ورود مواد نفتی یا مواد شیمیایی و فاضلاب‌ها به آب باشد. آلودگی نفتی ۷۱٪ از آلودگی‌های دریایی کشتی‌محور را تشکیل می‌دهد. میزان سالانه‌ی نشت نفت در اقیانوس‌ها یک میلیون تن نفت تخلیه شده در فعالیت‌های نفتی استاندارد و دو بیست هزار تن نفت منتشر شده ناشی از تصادفات تانکر نفتی برای هر سال تخمین زده می‌شود (کولاسوریا و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۴۱۲). سازمان بین‌المللی دریانوردی این آلودگی‌ها را قبل از کنوانسیون حقوق دریاها بررسی کرده بود. ماموریت این سازمان گسترش کشتیرانی سالم و نیز اعمال و رعایت قواعد زیست محیطی در حوزه دریاها است (www.imo.ir 7/12/2011). تلاش این سازمان، برای توسعه‌ی اقدام‌های جامع درباره‌ی آلودگی‌های دریایی ناشی از نفت، منجر به تصویب کنوانسیون بین‌المللی پیشگیری آلودگی ناشی از کشتی‌ها موسوم به مارپل شد؛ این کنوانسیون در سال ۱۹۷۳ تصویب شد و در سال ۱۹۷۸ اصلاح و در نهایت در سال ۱۹۸۳ لازم‌الاجرا شد. ایران نیز رسماً کنوانسیون یادشده را امضا و تصویب کرده است (فرشچی و همکاران، ۱۳۸۶، ص ۸۲).

اهمیت کنوانسیون به ضمایم آن پیوند خورده و ضمیمه‌های کنوانسیون مارپل به موضوعات مختلفی از قبیل آلودگی به وسیله‌ی نفت، مواد مایع سمی و مواد خطرناک حمل شده فاضلاب و آشغال و هوا پرداخته است. در بند ۴ و ۵ این کنوانسیون، دولت‌ها ملزم شده‌اند تا نسبت به وضع و اعمال قوانین داخلی مناسب برای اجرای مقررات کنوانسیون اقدام کنند. در بند ۶ به کشورهای عضو اجازه می‌دهد تا کشتی‌های خارجی را که وارد آب‌های سرزمینی کشور ساحلی می‌شوند، بازرسی کنند. این بازرسی به‌منظور کنترل چگونگی تخلیه‌ی مواد خطرناک توسط کشتی است. در بند ۷ تاکید می‌شود که

1. International convention for the prevention of pollution from ships

بازرسی باید به روش کارآمد باشد تا از تأخیر نامناسب و بی‌جا و توقیف بی‌مورد یک کشتی خودداری شود (کولارسیا و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۴۱۴).

کنوانسیون آمادگی و مقابله در مواقع آلودگی نفتی (OPRC)

این کنوانسیون نتیجه‌ی اقدام‌های سازمان بین‌المللی دریانوردی درباره‌ی تصادفات کشتی‌ها و حالت‌های فوق‌العاده دریایی که می‌توانند منجر به آلودگی‌های دریایی و تخریب‌های زیست‌محیطی گسترده شوند، می‌باشد. این کنوانسیون در سال ۱۹۹۰ تصویب و در سال ۱۹۹۵ لازم‌الاجرا شد. دولت ایران در ۱۳۷۶ به کنوانسیون فوق‌ملحق شده است و طرح ملی مقابله، آمادگی و هماهنگ‌سازی کلیه‌ی نهادها و سازمان‌های دولتی و غیردولتی و نیروها و امکانات مردمی برای مقابله و همکاری در انجام هر چه اثرگذارتر، وظیفه‌ی ملی حمایت از محیط‌زیست دریایی به هنگام وقوع سوانح منجر به آلودگی نفتی را تهیه کرده است. قلمرو تحت پوشش این طرح ملی شامل محدوده سواحل و کلیه آب‌های تحت نظارت و حاکمیت جمهوری اسلامی ایران در منطقه خلیج فارس، دریای عمان و دریای خزر می‌باشد. این طرح در راستای بند ۳(۲) کنوانسیون که اعضا را ملزم به وضع نظام‌های ملی و طرح‌های ملی برای پاسخ سریع به تصادفات منجر به آلودگی نفتی می‌کند، تصویب شده است (همان، ص ۴۱۶).

اسناد منطقه‌ای

کنوانسیون کویت

منطقه‌ی خلیج فارس از سوی سازمان بین‌المللی دریانوردی و برنامه‌ی محیط‌زیست سازمان ملل متحد به استناد کنوانسیون حقوق دریاها، دریای نیمه بسته شناخته شده و به موجب کنوانسیون مارپل منطقه‌ی ویژه اعلام شده است (فرشچی و همکاران، ۱۳۸۶، ص ۷۶). ماده ۶۰(a) ۲۱۱ کنوانسیون حقوق دریاها، دولت‌های ساحلی حق دارند با ارائه جزئیات به‌طور واضح، مناطق ویژه و حساس دریای خود را تعیین کنند. از نظر این کنوانسیون؛ مناطق ویژه، نقاطی هستند که به دلایل شناخته شده در ارتباط با شرایط اقیانوسی، اکولوژیکی، ترافیک دریایی و نیز به دلیل بهره‌برداری و حفاظت از منابع آنها مراعات اقدامات خاص به‌منظور جلوگیری از آلودگی ناشی از کشتی‌ها ضروری است. اکوسیستم دریایی خلیج فارس به علت بهره‌برداری گسترده‌ی نفتکش‌ها و کشتی‌ها در

معرض اقسام مختلف آسیب‌های زیست محیطی قرار دارد. کشورهای ایران، کویت، بحرین، عراق، قطر، امارات متحده عربی با هدف همکاری در حمایت زیست‌دریایی، کنوانسیون یاد شده را در ۲۴ آوریل ۱۹۷۸ تصویب کردند و در تاریخ اول ژوئیه ۱۹۷۹ پس از توزیع اسناد و الحاق آن توسط پنج کشور به وزارت امور خارجه کویت، لازم‌الاجرا شد (www.rgeenyearbook12/12/2011).

متعاقب تصویب این کنوانسیون پروتکل‌های دیگر با عناوین پروتکل «ویژه آلودگی دریایی ناشی از اکتشاف و استخراج از فلات قاره» پروتکل «حفاظت محیط زیست دریایی از آلودگی ناشی از منابع مستقر در خشکی» و پروتکل حمل و نقل دریایی مواد زاید خطرناک و دفع آنها» تصویب شده است. دولت جمهوری اسلامی ایران همه‌ی آنها را تصویب کرده و پروتکل حمل و نقل دریایی را فقط امضا کرده است.

به موجب ماده دوم، مفاد کنوانسیون نسبت به آب‌های داخلی اعضا اعمال نمی‌شود. به موجب ماده ۳ یکی از اهداف کلیدی کنوانسیون کویت، کاهش و مبارزه با آلودگی محیط‌زیست دریایی در منطقه می‌باشد. به موجب ماده ۱۶، سازمانی منطقه‌ای برای حفاظت در محیط‌زیست دریایی موسوم به راپمی، به منظور اجرا و انجام اقدام‌های مورد نیاز کنوانسیون تأسیس شده است که مقر آن در کشور کویت می‌باشد (www.ropme.or.13/12/2011).

مرکز دیگری که به موجب کنوانسیون کویت تأسیس شده است، مرکز همکاری‌های متقابل در مواقع اضطراری در دریا (MEMAC) می‌باشد که مقر آن بحرین است (www.memc.or.13/12/2011). افزون‌بر دو سازمان یادشده با توجه به اهمیت حفاظت از محیط‌زیست دریایی و انجام اقدام‌های به موقع در زمان بروز حوادث منجر به آلودگی نفتی و همکاری و هماهنگی لازم بین کشورهای منطقه در سال ۲۰۰۳ مرکز همکاری برای نجات و مقابله با نفت (ORC) پایه‌ریزی شد. وظیفه مهم این مرکز، تهیه اقدامات مرتبط با پیشگیری و مقابله با لکه‌های نفتی در دریا از طریق همکاری میان دولت‌ها، شرکت‌های نفتی، سازمان‌های مقابله‌کننده‌ی بین‌المللی براساس اصول احتیاطی و پاکسازی محیطی خواهد بود (فرشچی و همکاران، ۱۳۸۶، ص ۷۷).

کنوانسیون تهران

دریای خزر به‌عنوان بزرگ‌ترین دریاچه‌ی روی زمین به‌دلیل داشتن موقعیت خاص اکولوژیکی اهمیت زیست محیطی ویژه‌ای دارد و تقریباً به شکل مستطیل می‌باشد (Ahmadin, 2004, p.18). طول خط ساحلی دریای خزر حدود ۷۰۰۰ کیلومتر است که حدود ۱۰۰۰ کیلومتر آن از آستارا تا اترک جزو سواحل ایران می‌باشد (Caspian Environment prgram, 2011). با توجه به بسته بودن اکوسیستم آبی آن، محیط‌زیست آنها همواره در معرض خطرهای ناشی از آلاینده‌های زیست‌محیطی است از جمله عواملی که به شدت سلامت دریای خزر را تهدید می‌کند، آلاینده‌های نفتی هستند. در تازه‌ترین ارزیابی‌ها مقادیر ذخایر نفتی آن را بیش از ۵۰ میلیون شبکه برآورده کرده‌اند (کولائی و همکاران، ۱۳۸۸، ص ۷۱). در راستای همکاری میان کشورهای حوزه‌ی دریای خزر در زمینه‌ی مسائل زیست‌محیطی در ۱۳ آبان ۱۳۸۲، در ایران، کنوانسیون تهران فی‌مابین دولت‌های ایران، روسیه، قزاقستان و ترکمنستان و آذربایجان امضا و در مرداد ۱۳۸۵ لازم‌الاجرا شد. در متن کنوانسیون یادشده به ۸ پروتکل اشاره شده است. از جمله پروتکل همکاری‌های منطقه‌ای برای مقابله با آلودگی نفتی در شرایط اضطراری می‌باشد. در ماده ۲ هدف کنوانسیون، حفاظت از محیط زیست دریای خزر از کلیه منابع آلوده‌کننده و حفاظت و نگهداری، احیا و استفاده‌ی منطقی و پایدار از منابع زنده‌ی آن می‌باشد. متعاهدین به موجب ماده ۵، در راه رسیدن به اهداف کنوانسیون به اصولی همچون اصل پیشگیرانه، اصل پرداخت آلوده‌کننده که از اصول نوین زیست محیطی است و اصل دسترسی به اطلاعات مربوط به آلودگی محیط زیست پیروی می‌کنند. اقسام آلودگی نیز برحسب منشا مشخص شده‌اند (مواد ۷ و ۸ و ۹ و ۱۰ و ۱۱).

تدابیر کیفی

قدمت استفاده بشر از مجازات‌ها برای حمایت از ارزش‌هایی که رعایت آنها برای حفظ منابع محوری افراد و اجتماع ضروری است، به چند هزار سال قبل برمی‌گردد. با این حال باید تأکید کرد که وظیفه حقوق کیفی همواره تصدیق، تقویت و حمایت از ارزش‌های برتر جامعه که اغلب بدون توسل به مجازات‌ها از جانب مردم رعایت می‌شود، نیست. این حقوق همچنین می‌تواند از طریق جرم‌انگاری و وضع مجازات به کنترل رفتارها و در نتیجه

تولید ارزش‌ها و هنجارهایی دست بزند که با توجه به خط‌مشی و راهبردهای حاکم بر مسایل اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه، رعایت آنها برای جامعه ارزشمند و ضروری تلقی می‌کنند (pai, 2003, p.1-3). در حال حاضر در بسیاری از قوانین اساسی کشورها دسترسی به محیط زیست سالم به‌عنوان یکی از ارزش‌های جمعی شناسایی شده است. با توجه به اینکه منابع آبی از نظر وسعت و اهمیت قابل تقسیم به دو قسم منابع آبی محدود از قبیل چشمه‌ها و نهرها و رودهای کوچک و منابع آبی وسیع و بزرگ شامل رودخانه‌های قابل کشتیرانی و دریاها شده، از این‌رو در این قسمت براساس این معیار سازوکارهای کیفری مرتبط بررسی می‌شود.

حمایت کیفری از منابع آبی محدود

مقنن در سال ۱۳۴۷ با تصویب قانون آب و نحوه ملی شدن آن، مالکیت آب‌ها را از اشخاص حقیقی به دولت منتقل کرد و استفاده و بهره‌برداری از آب‌ها نیز تابع شرایط جدیدی شد. در فصل هشتم قانون با عنوان تخلفات و جرایم، برخی اقدام‌ها مورد جرم‌انگاری قرار گرفته و اقسامی از مجازات‌ها از قبیل جریمه نقدی، مسدود نمودن چاه و حبس تادیبی تعیین شده بود (مواد ۵۹ و ۶۰ و ۶۱). در بند ۵ ماده ۶۰ مقرر شده که هر کس عمداً آب رودخانه، انهار عمومی، جویبارها، مخازن، منابع، قنات و چاه‌ها را با اضافه کردن مواد خارجی به نحو مندرج در ماده ۵۶ قانون آلوده کند، در مواردی که منبع آب به‌عنوان منبع آب آشامیدنی به کار می‌رود، مرتکب به موجب سایر قوانین مورد تعقیب قرار خواهد گرفت. در ماده‌ی یادشده آلوده کردن آب را آمیختن مواد خارجی به آب دانسته، به میزانی که کیفیت فیزیکی یا شیمیایی یا بیولوژیکی آن را مضر به حال انسان، چهارپایان، آبریان و گیاهان، تغییر دهد. از جمله قوانین دیگر که درباره‌ی پیشگیری و ممانعت از آلودگی‌ها بالاخص آب‌ها به اتخاذ رویکرد کیفری اقدام کرده است؛ قانون حفاظت و بهسازی محیط‌زیست مصوب ۱۳۵۳ می‌باشد. براساس ماده یک حفاظت، بهبود و بهسازی محیط‌زیست، پیشگیری و ممانعت از هرگونه آلودگی و هر اقدام مخربی که موجب برهم خوردن تعادل و تناسب محیط‌زیست می‌شود، همچنین کلیه‌ی امور مربوط به جانوران وحشی و آبریان آب‌های داخلی از وظایف سازمان حفاظت محیط‌زیست است.

براساس ماده ۱۱، سازمان حفاظت محیط‌زیست، با رعایت ضوابط مربوطه، کارخانه‌ها و کارگاه‌هایی که موجبات آلودگی محیط را فراهم می‌آورند مشخص و مراتب را به‌طور

کتبی به آنها ابلاغ می‌کند که ظرف مدت معینی رفع نقص کنند. در صورتی که اشخاص مخاطب ابلاغ سازمان، کار یا فعالیت ممنوع شده را متوقف نکنند، ادامه فعالیت آنها منوط به نظر دادگاه خواهد بود و در صورت تخلف به حبس جنحه‌ای از یک روز تا یکسال و یا پرداخت جزای نقدی یا به هر دو محکوم خواهد شد.

با نظری اجمالی می‌توانیم پراکندگی و عدم انسجام سیاست‌های تقنینی مقنن در قبال آلودگی آبها را استنباط کنیم. پرواضح است که یکی از رموز موفقیت در قانونگذاری‌های کیفری انسجام در تصویب قوانین است که این مطلب در مصوبه‌ها رعایت نشده و صرفاً در پاره‌ای مواقع مقنن به صورت انفعالی برخی از امور را جرم‌انگاری کرده است. با تصویب قانون توزیع عادلانه آب مصوب ۱۳۶۱ با وجود وضعیت اقلیمی کشور و نیاز روز افزون به منابع آبی و مشکلات روزافزونی که آب‌های آلوده برای بهداشت انسان‌ها ایجاد کرده (شرقی، ۱۳۸۴، ص ۷۶) تنها موردی که به آلودگی آب‌ها اشاره کرده در ماده‌ی ۴۶ می‌باشد که صرفاً مقرر داشته «آلوده ساختن آب ممنوع است، مسئولیت پیشگیری و ممانعت و جلوگیری از آلودگی منابع آب به سازمان حفاظت محیط زیست محول می‌شود». متأسفانه این مقرر به نسبت به قوانین متقدم پیشرفت نداشته است. نکته‌ی قابل توجه اینکه مقنن هیچ ضمانت اجرایی برای اقدامات افرادی که مبادرت به آلوده کردن منابع آبی کنند، پیش‌بینی نکرده و ماده‌ی مذکور را در حد توصیه‌ی اخلاقی تنزل داده است. این سهل‌انگاری مقنن هنگامی برجسته‌تر می‌شود که در ماده ۴۵، برای اشخاصی که حق آب دیگری را بدون مجوز تصرف کنند، مجازات اعاده وضع به حالت سابق و جبران خسارت وارده و تحمل مجازات ۱۰ تا ۵۰ ضربه شلاق و یا ۱۵ روز حبس تأدیبی پیش‌بینی؛ ولی در مورد آلوده‌کنندگان منابع آبی هیچ‌گونه مجازاتی را پیش‌بینی نکرده است (www.mailis.ir12/2011).

در نهایت در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ درباره‌ی جرم‌انگاری اقدام‌هایی که باعث ایجاد آلودگی زیست محیطی در حوزه‌ی آب‌ها شود، شاهد اتخاذ تدابیری به مراتب سنگین‌تر از قوانین سابق هستیم.

در ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی مقرر شده هر اقدامی که تهدید علیه بهداشت عمومی شناخته شود از قبیل آلوده کردن آب آشامیدنی، یا توزیع آب آشامیدنی آلوده، ریختن مواد مسموم‌کننده در رودخانه‌ها جرم محسوب و مرتکبان چنانچه طبق خاص

مشمول مجازات شدیدتری نباشند به حبس تا یکسال محکوم خواهند شد. تشخیص این امر با وزارت بهداشت و درمان و سازمان محیط زیست است. مقنن در مقام تمثیل برخی از مصادیق را بر شمرده که این امر می‌تواند در توسعه مصادیق و موضوعات متلابه مشابه که بتواند مشمول مجازات‌های یاد شده قرار گیرند، مفید به نظر رسد.

در ماده ۶۸۹ نیز مقنن در خصوص خسارت‌های وارده به اشخاص تعیین تکلیف کرده و چنانچه اقدام‌های یاد شده در ماده ۶۸۸ را که منتهی به قتل یا نقص عضو یا جرح یا صدمات دیگر شود، حسب مورد مشمول مجازات‌های قصاص و پرداخت دیه و پرداخت کلیه خسارت‌های وارده، دانسته است. در مجموع این دو ماده در قبال مبارزه با آلودگی‌های ایجاد شده در منابع آبی محدود، می‌تواند مفید واقع شود چرا که به هر دو بعد پیشگیری و مجازات پرداخته و هر دو مرحله را شامل می‌شود.

حمایت کیفری از منابع آبی بزرگ

قانون حفاظت از دریا و رودخانه‌های مرزی از آلودگی نفتی

این قانون در سال ۱۳۵۴ درباره‌ی رودخانه‌های مرزی و آب‌های داخلی و سرزمینی ایران در دریای عمان و خلیج فارس و دریای خزر به تصویب رسید. به موجب ماده ۲ قانون یاد شده، آلوده کردن آب‌های بیان شده به نفت یا هر نوع مخلوط نفتی توسط کشتی‌ها و سایر تأسیسات نفتی واقع در خشکی یا دریا ممنوع می‌باشد و افرادی که مرتکب این قییل جرایم شوند به حبس و جزای نقدی و یا جمع هر دو مجازات محکوم می‌شوند. در صورتی که آلودگی به واسطه‌ی بی‌مبالاتی یا بی‌احتیاطی واقع شود شخص آلوده‌کننده به جزای نقدی محکوم می‌شود. از نکات قابل توجه محکومیت فرد به مجازات‌های تعیین شده در هر دو صورت ارتکاب عمدی و غیرعمدی می‌باشد که از نکات برجسته محسوب و همسو با اصول حاکم بر تعیین مسئولیت در جرائم زیست‌محیطی است.

ضعفی که در این قانون و در سایر قوانین زیست‌محیطی ملاحظه می‌شود استفاده‌ی بی‌رویه‌ی مقنن از حبس و جزای نقدی است. امروزه جرایم زیست‌محیطی اغلب توسط اشخاص حقوقی انجام می‌شود، از این رو استفاده از ضمانت‌اجراهای سالب حقوقی و شغلی جایگزین حبس مناسب‌تر به نظر می‌رسد. سیاست جنایی امروزی از یک سو بر آن است تا شدت و به‌ویژه، تبعی بودن و سلب حقوق کیفری محکومان به شیوه‌ی گذشته را

که کلاً جنبه‌ی ناسازگار کننده دارد، مردود اعلام کند و از سوی دیگر با در نظر گرفتن اوضاع و احوال، تحرک اقتصادی، شرایط شخص مجرم و محیط اجتماعی سعی بر آن دارد که یک نظام کاملاً متفاوت از ممنوعیت‌ها یا محدودیت‌ها را به وجود آورد که هم قادر به حمایت از قربانیان احتمالی برخی فعالیت‌های اقتصادی یا حرفه‌ای باشد و هم مجرم را در مقابل گرایش‌ها یا عادت‌هایش حمایت کند (آنسل، ۱۳۷۵، ص ۱۰۳). مجازات‌های یاد شده به طور معمول ترمیمی و اختیاری هستند اما می‌توان در مواردی نیز به عنوان مجازات اصلی پیش‌بینی شوند (فاخری، ۱۳۸۳، ص ۵۵). درباره‌ی جرایم زیست‌محیطی نیز می‌توان به مجازات‌هایی از قبیل محدودیت‌های تجاری مرتبط با آلودگی یا لغو پروانه، مجازات‌های تشهیری که باعث کاهش محبوبیت شرکت و اشخاص حقوقی ایجاد آلودگی می‌شوند و مجازات‌هایی از این قبیل که باعث افزایش هزینه‌های اجتماعی و شغلی این افرادی می‌شود استفاده کرد. در ماده ۶ استثنائاتی بر مسئولیت مطلق ترسیمی در ماده‌ی ۲ وارد شده است. به موجب ماده‌ی ۶ مجازات‌های مقرر در ماده، در صورتی که آلودگی به دلیل رفع خطر از کشتی و یا نجات جان اشخاص، ضروری باشد؛ به شرط رعایت تناسب میان آلودگی با خطری که کشتی یا سرنشینان را تهدید می‌کند و اقدام‌های فوری برای رفع آلودگی بلا مانع است. در مورد آلودگی‌های غیر عمدی نیز که در نتیجه‌ی عوامل و اتفاقات پیش‌بینی نشده باشد باید اقدام‌های فوری برای جلوگیری و رفع آثار آن انجام شود.

در ماده‌ی ۱۲ ماموران سازمان بنادر و دریانوردی به شرط مأموریت داشتن از طرف سازمان متبوع و گذراندن دوره‌های مخصوص ضابطان، تحت نظر دادستان و اخذ گواهی گذراندن این دوره‌ها، در حدود وظایف خود ضابط خواهند بود. بر اساس ماده ۱۷ مرور زمان دعوی خسارت، شش سال از تاریخ وقوع خسارت می‌باشد. این قانون به موجب قانون حفاظت از دریاها و رودخانه‌های قابل کشتیرانی که در قسمت بعد بررسی خواهد شد، نسخ شده است.

قانون حفاظت از دریاها و رودخانه‌های قابل کشتیرانی در مقابل آلودگی به مواد نفتی:

قانون یاد شده سال ۱۳۸۹ به تصویب رسید. قطعاً گسترش روزافزون آلودگی‌های نفتی در حوزه‌های دریایی کشورمان انگیزه‌ای شده تا بعد از گذشت ۳۵ سال؛ قانونی تقریباً مشابه قانون حفاظت از دریا و رودخانه‌های مرزی از آلودگی نفتی مصوب ۱۳۵۴ تصویب

شود. محدوده‌ی اجرایی هر دو قانون یکسان می‌باشد و شامل قانون مناطق دریایی ایران در خلیج فارس و دریای عمان است. باید گفت در قانون یادشده در بند ۶ آن ایجاد هرگونه آلودگی محیط‌زیست دریایی برخلاف مقررات جمهوری اسلامی ایران جرم محسوب و مستوجب عقوبت جزایی و مسئولیت مدنی دانسته است.

با توجه به اینکه بیشتر مواد مندرج در قانون ۱۳۸۹ تکرار مواد قانون متقدم می‌باشد، صرفاً آن دسته از مواد تحلیل می‌شوند که در قانون مقدم بیان نشده باشد. در ماده ۴ جرایم مخدوش کردن و عدم انجام تکالیف قانونی و ثبت مطالب خلاف واقع در دفتر ثبت نفت توسط مسئولان کشتی، نفتکش، سکو و تأسیسات نفتی مورد جرم‌انگاری قرار گرفته و مجازات نقدی و حبس را برای آن پیش‌بینی کرده است. جرایم مخدوش کردن و ثبت مطالب خلاف واقع منطبق بر عناوین مجرمانه جعل مادی و مفادی در قانون مجازات اسلامی می‌باشد. از این رو اگر فردی مرتکب این جرایم شود، به دلیل جرایم متعدد (معنوی شده یک فعل و نقض قوانین متعدد شده) و برحسب تکلف ماده ۴۶ قانون مجازات اسلامی هرگاه در جرایم قابل تعزیر فعل واحد عناوین متعدد داشته باشد، حکم به مجازات جرمی داده می‌شود که مجازات آن شدیدتر است. برحسب ماده ۱۰، مسئولان یادشده در صورت بروز آلودگی به هر دلیل باید مراتب را در اسرع وقت به مقامات ذی صلاح اطلاع دهند والا به مجازات اداری و جزای نقدی محکوم می‌شوند.

از جمله ابداعات دیگر قانون متأخر پیش‌بینی ضمانت اجرا برای تکالیف مقرر برای ماموران دولت به منظور جلوگیری از بروز آلودگی با گسترش آن و برخورد با متخلفان می‌باشد که ترکیبی از مجازات‌های اداری و جزای نقدی است (ماده ۱۵). از جمله نکات مثبت و بدیع قانون ۱۳۸۹، پیش‌بینی هیأت کارشناسی سه نفره برای تشخیص و احراز تناسب اقدامات با خطرات، اثرگذار بودن اقدام‌های انجام شده با میزان خطر و میزان خسارت و صدمه‌های احتمالی جانی که منجر به اقدام‌ها شده و سایر مواد مقرر در ماده ۱۶ می‌باشد که در عینی‌تر کردن تصمیمات اتخاذی توسط مراجع ذی‌ربط نقش اثرگذاری خواهد داشت.

نتیجه

صیانت و حفاظت از منابع آبی بزرگ و کوچک، مدت زمان زیادی است که آغاز شده و دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی با توجه به نیاز روزافزون به آب و کمبود آن، رشد جمعیت و نیز آستانه‌ی بالای آسیب‌پذیری آب از اقسام آلاینده‌ها، در سطوح ملی و منطقه‌ای و بین‌المللی راهکارهایی را اتخاذ کرده‌اند. در ایران با وجود شدت و کثرت مخاطرات زیست محیطی که منابع آبی کشور را تهدید می‌کنند، تا کنون فقط در برخی از قوانین، به اتخاذ راه‌کارهایی حقوقی و کیفی در بسامان کردن و صیانت از منابع آبی پرداخته شده است. قطعاً تصویب قانونی که ملهم از راه‌کارهای بومی و جهانی در حفاظت از محیط‌زیست آبی باشد، می‌تواند بسیار اثرگذار باشد. وجود قانون تخصصی و جامع در این باره، قطعاً در میزان کارآمدی و افزایش توانمندی دستگاه‌های متولی، در صیانت از اهداف یاد شده و تقویت همکاری‌های میان بخشی که یکی از ضرورت‌های حاکم بر مقوله‌های حفاظت محیط زیست آبی می‌باشد، اثرگذار خواهد بود. یکی از معضلات حاکم بر مقوله‌ی حفاظت از محیط زیست، نهادینه نشدن حفاظت از محیط‌زیست، به عنوان یک ارزش بنیادین و محوری در دستگاه‌های ذی‌ربط و متولی اعم از تقنینی و قضایی می‌باشد. رفع این مشکل نیازمند انجام کارهای آموزشی و فرهنگی در سطوح یاد شده می‌باشد تا جایگاه و نقش منابع طبیعی کشور بالاخص محیط زیست آبی تبیین و تشریح شود. باید آب را به عنوان ودیعه‌ای بنگریم که در عین بهره‌برداری از آن، حقوق نسل‌های بعد نیز محفوظ بماند.

منابع

- آنسل، مارک (۱۳۷۵). *دفاع اجتماعی*، ترجمه محمد آشوری، علی حسین نجفی ابرند آبادی، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول.
- حسینی، سیدمحمد (۱۳۸۳). *سیاست جنائی در اسلام و در جمهوری اسلامی ایران*، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول.
- دلماش مارتی، می‌ری (۱۳۸۱). *نظام‌های بزرگ سیاست جنائی*، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، نشر میزان، چاپ اول.
- شرقی، عبدالعلی (۱۳۸۴). *آب و قانونگذاری، علوم محیطی*، شماره ۸.
- رضسانی قوام‌آبادی، محمدحسین (۱۳۸۸). *حمایت کیفری از گونه‌های جانوری، علوم محیطی*، سال هفتم، شماره ۲.
- فاخری، نریمان (۱۳۸۳). *ضمانت اجراهای سالب حقوق اجتماعی و شغلی جایگزین حبس*، علوم جنائی، انتشارات سمت، چاپ اول.
- فرشچی، پروین، دبیری، فرهاد (۱۳۸۶). *بررسی ابعاد آلودگی‌های نفتی در منطقه خلیج فارس و دریای عمان، علوم تکنولوژی محیط‌زیست*، دوره نهم، شماره ۴.
- فهمی، عزیزالله و مهدی، علی (۱۳۹۰). *فقه شیعه و تحول در مبانی مسئولیت زیست محیطی، فصلنامه حقوق*، دوره ۴۱، شماره ۱.
- کاتوزیان، ناصر و انصاری، مهدی (۱۳۸۷). *مسئولیت ناشی از خسارت‌های زیست محیطی، فصلنامه حقوق*، دوره ۳۸، شماره ۲.
- کولائی، الهه و گودرزی، مهناز (۱۳۸۸). *تهدیدهای زیست محیطی دریای مازندران و نقش کنوانسیون تهران در مقابله با آن، علوم محیطی*، سال هفتم، شماره ۱.
- کولاسوریا، لان کورو و راینسون، نیکلاس (۱۳۹۰). *مبانی حقوق بین‌الملل محیط‌زیست*، ترجمه سید محمد مهدی حسینی، نشر میزان، چاپ اول.
- لازرژ، کرسیتین (۱۳۷۵). *سیاست جنائی*، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، نشر یلدا، چاپ اول.
- موسی‌زاده، رضا (۱۳۸۳). *بایسته‌های حقوق بین‌الملل عمومی*، نشر میزان، چاپ دوم.
- مولائی، یوسف (۱۳۸۶). *نسل سوم حقوق بشر و حق بر محیط‌زیست سالم، فصلنامه حقوق*، دوره ۳۷، شماره ۴.

- Amir Ahmadi, B. (1996). *Geography of the Caspian Sea*. "Quarterly of central Asia and caucasia, 5(14)
- Armstron .B.,E. Hutchinson , Junín and T Fletcher (2004). *Lung cancer risk after exposure to polycyclic aromatic hydrocarbons: Review and meta – Analysis Environ Heath perspectives*, 112.
- Canby, T (1991). *The Persian golf after the storm*. National geographic. 180.
- Caspian sea environment national report (2004).
- Etkin, D.S.P wells, m. Nauke.j. compel, c.gery.J. Koefoed,T.meyr, and Reddy (1998). *In: proceeding of the 21 threatened marine oil spill program technical seminar*. Environment Canada, Edmonton, Alberta.
- Leaby.j.G.,R. colwell (1990). *Microbial radiation of Hydrocarbons in Environment*. Microbial .Rev.54.
- Pain. N (2003). Criminal and Environmental protection overview of issues and themes.
- <http://www.Ais.Gov.au/puldications/proceedings/26/>
- <http://www.Crudeaccountability.org>.
- [http://www.greenyearbook.oragre/mar-env/ Kuwait](http://www.greenyearbook.oragre/mar-env/Kuwait).
- [http://www. IMO.or](http://www.IMO.or).
- <http://www.mailis.ir>
- <http://www.MEAC.org>
- <http://www.Moe/org.ir>
- <http://www.Mslehat.ir>.
- <http://www.Ropme.org>.
- <http://www.Unep.org/mater/yeseas/>.
- [http://www.Un.org /Los/ index](http://www.Un.org/Los/index).
- [http://www.Caspian environment.org/report](http://www.Caspianenvironment.org/report).